

تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب [◇]

محمد امینی^۱
وجه‌الله قربانی‌زاده^۲

چکیده

هدف: با توجه به اینکه شناخت یک موضوع، مقدم بر تلاش برای تحقق آن موضوع است، این پژوهش درصدد شناسایی و معرفی برخی از مؤلفه‌های دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب است. **روش:** در پژوهش حاضر، داده‌های متون و سخنرانی‌های رهبر انقلاب پیرامون دانشگاه اسلامی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، تجزیه و تحلیل شده و تلاش بر این بوده که چارچوب موضوع تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی استخراج و تدوین شود. **یافته‌ها:** دستاوردهای تحقیق حاکی از آن است که «تدین و تعالی معنوی» یکی از مؤلفه‌های اصلی دانشگاه اسلامی و خود مشتمل بر ۱۲ مؤلفه فرعی ذیل است: خداجویی دین‌مدار، معرفت توحیدی، حضور هدایتگر روحانیت، استهداء و استمداد از پروردگار، خواندن مدبرانه قرآن و دعا، تعهد به مبانی، نماز، پرهیز از دنیاپرستی، حجاب، ایمان به قضا و قدر الهی، امربمعروف و نهی از منکر، انتظار. **نتیجه‌گیری:** دانشجو و دانشمند اسلامی در پی علم‌اند و علم، حقیقتی بی‌منتهاست که خالق متعال، عالی‌ترین مرتبه و نیز مبدا آن است. بر این اساس و مبتنی بر تحلیل بیانات رهبری، همه فعالیت‌های جوینده علم، در مسیر تدین به طور هم‌سو و هم‌افزا رو به سوی مبدا متعال دارند. این اساسی‌ترین مؤلفه معنوی در دانشگاه اسلامی است که «تدین و تعالی معنوی» ناظر به توضیح این مهم است.

واژگان کلیدی: دانشگاه اسلامی، رهبر انقلاب، تحلیل محتوای کیفی، تدین، معنویت، خداجویی.

◇ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۲۰؛ تصویب نهایی ۹۴/۰۵/۲۳.

۱. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) / آدرس: تهران، بلوار دهکده المپیک، دانشگاه علامه

طباطبایی / نامبر: ۴۴۷۳۷۵۱۰ / Email: Amini.Sajad@ymail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

الف) مقدمه

یکی از شرایط مهم برای ساختن آینده مطلوب کشور، تحقق دانشگاه اسلامی است؛ البته نه با آن ماهیتی که برخی از افراد با محدودنگری درک کرده‌اند. دانشگاه عهده‌دار تولید و گسترش علم و پایه همه قدرتهای اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی، علم است. با اقتدار علمی می‌توان سیاست برتر را در دنیا اتخاذ کرد؛ همچنان که علم می‌تواند به غلبه اقتصادی نیز بینجامد. به طور کلی قدرت علمی به تفوق و تسلط می‌انجامد. از سوی دیگر، رواج تصوراتی که علم را جدا از دین می‌داند، باعث شده اثبات اهمیت علم سهمی در تبیین اهمیت دین نداشته باشد؛ درحالی که حقیقت جامع علم، دین را به عنوان دانش لازم برای تقرّب به حق تعالی دربردارد. لذا در بیان بایستگی اتّصاف دانشگاه به صفت «اسلامی» باید گفت: اسلامی بودن، متضمّن درستی نگرش و غایتی است که عالم در تولید و کاربست علم دارد. بنابراین، دانشگاه اسلامی، دانشگاهی مترقی و متعالی در همه ابعاد است، نه یک جنبه خاص.

همچنان که نقص در عملکردهای صنعتی زیان‌آفرین و حادثه‌ساز است، اشتباه یا خطا در درک مقوله‌های فرهنگی و ارزشی نیز (به‌ویژه هنگام تحقق عینی) انحراف‌انگیز و آسیب‌زا خواهد بود؛ اگرچه اصلاح این انحرافها از جبران آن زیانها به مراتب دشوارتر است. بنابراین، قدم اول در تحقق دانشگاه اسلامی، درک ماهیت و مؤلفه‌های آن است و برای این کار بایسته است که درک موضوع از حکمت یک صاحب‌نظر (رهبر فرهیخته ایران اسلامی) سرچشمه بگیرد. پس لازم است که ماهیت دانشگاه اسلامی را از دیدگاه رهبری درک و تعریف کرد؛ ضمن اینکه «هدف از تعریف، تبیین مؤلفه‌های مفهومی یک موضوع است» (فرامرزی قراملی، ۱۳۹۲: ۱۷۰). البته همچنان که مفاهیم بسیط نه تعریف‌پذیرند و نه محتاج تعریف (همر، ۱۳۸۸: ۱۰۷)، به همان نسبت، تعریف مفاهیم مرکب و چندبعدی نیز دشوار و کاری پر حجم است. لذا در این مقاله به یکی از مؤلفه‌های اصلی دانشگاه اسلامی خواهیم پرداخت و مراد از تعریف، همان تبیین مؤلفه‌های موضوع است. چنین تعریفی، هدایتگر اقدامات در جهت اسلامی‌سازی دانشگاه خواهد بود. به‌علاوه بایستگی و وجه کاربردی پژوهش حاضر این خواهد بود که بینش و حکمت نظری اهل علم (اعم از استاد و دانشجو) را نسبت به جذابیت، پیش‌برندگی و تعالی‌بخشی دانشگاه اسلامی ارتقا بخشد که این مهم، مقدمه‌ای برای بروز مینش علمی و حکمت عملی برای تحقق دانشگاه اسلامی است.

ب) بیان مسئله

دانشگاه اسلامی صورت نیست که ساخته شود، بلکه سیرت است که باید دریافته شود؛ اگرچه هر سیرتی به صورت‌هایی جلوه‌گر می‌شود. دریافت این سیرت، مشروط به درک مؤلفه‌ها و مقومات آن است. داوری و سلیمی می‌گویند: شناخت اهمیت و نقش آموزش عالی و نیز توجه به پیامدهای مهلک

تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب ❖ ۳۶۱

دانشگاه‌های استعماری، امام(ره) را به پردازش و تکمیل ایده دانشگاه اسلامی رهنمون کرد(داوری و سلیمی، ۱۳۷۸). اما اکنون با گذشت چند دهه از طرح این ایده، اَتصاف دانشگاه به واژه «اسلامی»، موجب چالش‌های مفهومی و عینی شده است و هنوز مؤلفه‌های دانشگاه اسلامی دقیقاً و تحقیقاً برای همه روشن نیست؛ درحالی که معنای لغوی و اصطلاحی دانشگاه روشن است.

بسیاری از اندیشمندان در دو سه دهه گذشته سعی بر شناساندن دانشگاه اسلامی داشته‌اند. برای مثال، جعفر سبحانی، دانشگاهی را اسلامی می‌داند که با تحول عمیق در عناصر اصلی خود(مدیریت، اساتید، متون درسی)، افرادی فرهیخته، خداجو و خدمتگزار را به جامعه ارائه دهد(سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹) یا اعرافی آن را دانشگاهی می‌داند که دانشجویانش در سایه تعالیم و معارف اسلامی تربیت شوند و در سایه این تربیت، به خلاقیت علمی-پژوهشی و توسعه مرزهای علم و دانش دستیابند(اعرافی، ۱۳۷۵). اگرچه بیان این اندیشمندان درست است، اما تبیین یک موضوع به صورت خیلی کلی به کلیدی از جنس هوا می‌ماند که به هر ففلی می‌خورد اما هیچ ففلی را باز نمی‌کند. شناساندن دانشگاه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که با تبیین مؤلفه‌ها و مقومات آن بتوان هم در سطح فرد(استاد، دانشجو و کارمند) و هم در سطح سازمان (برنامه‌های دانشگاهی و وزارتخانه‌ای)، اقدامات اسلامی‌سازی را جهت‌دهی و هدایت کرد. بنابراین، سؤال کلی پژوهش این گونه صورت‌بندی می‌شود: «مؤلفه‌های دانشگاه اسلامی-که قوام و برپایی چنین دانشگاهی بسته به آن است- کدام است؟»

گفتنی است که مقاله حاضر فقط بخشی از این سؤال کلی را پاسخ خواهد داد؛ یعنی شناسایی و تبیین مؤلفه تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از منظر رهبر انقلاب اسلامی. بنابراین، سؤال جزئی پژوهش که منطبق و ناظر بر قلمرو موضوعی مقاله حاضر است، این گونه مطرح می‌شود: آیا تدین و تعالی معنوی را می‌توان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی دانشگاه اسلامی تصور کرد؟ و اگر بله، این مؤلفه را چگونه و با چه زیرمؤلفه‌هایی می‌توان تبیین کرد؟ پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، این سؤال را از دیدگاه رهبر حکیم انقلاب به شکلی جذاب و نافذ پاسخ دهد.

ج) پیشینه پژوهش

ایده‌های انسانی در اعصار و ادوار مختلف، جلوه‌ها و مفاهیم جدید و گاه تکامل‌یافته‌تر به خودمی‌گیرند. هر ایده‌ای ریشه و خاستگاهی در گذشته دارد و به دشواری بتوان ایده و نظریه‌ای را یافت که از هر جهت نو باشد. دانشگاه اسلامی نیز همین گونه است و به نظر نمی‌رسد بتوان دقیقاً روی نقطه آغاز آن انگشت گذاشت. همچنان که تأسیس و فعالیت مراکز علمی اثرگذار در جهان اسلام، مانند نظامیه در بغداد و نیشابور(قرن ۵هـ)، حوزه علمیه نجف(قرن ۴هـ) و مواردی از این دست را می‌توان نشان از پیشینه غنی علم در

۳۶۲ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

جهان اسلام و نمونه‌ای از دانشگاه اسلامی دانست (فناپی اشکوری، ۱۳۷۷: ۱۷). با وجود این، زائری و محمدعلی‌زاده می‌گویند: «طرح دانشگاه اسلامی» در حکومت پهلوی؛ یعنی اواخر دهه ۱۳۳۰ هجری شمسی، توسط ساواک و به منظور بقای رژیم شاه تهیه و مطرح شد که با مخالفت امام روبه‌رو گردید (زائری و محمدعلی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹). اگرچه ابوالاعلی مودودی نیز در دهه ۱۹۳۰ به هنگام بیان ایراداتش بر دانشگاه علیگره هند، مسئله تأسیس دانشگاه اسلامی را مطرح کرده بود (گلشنی، ۱۳۹۰: ۱۵۱). بعد از انقلاب اسلامی نیز سعی بر آن بوده است که این ایده با رویکردی معرفتی و با ماهیت و معنایی تازه پیگیری شود.

نگارندگان پس از بررسی‌ها به پژوهشی دست نیافتند که با روش تحلیل محتوای کیفی به تبیین ماهیت دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب پرداخته باشد یا به طور جزئی مؤلفه «تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی» را از دیدگاه مقام رهبری بررسی کرده باشد. تنها پژوهشی که با قرابت موضوعی بیشتری نسبت به سایر پژوهش‌های بررسی‌شده به دست آمد، پژوهشی با عنوان «رابطه دین و فناوری در فرایند اسلامی‌شدن دانشگاه» است. این مقاله، ایجاد تعامل فناوری با دین و ارزش‌های دینی را وظیفه دانشگاه اسلامی می‌داند تا دین از این طریق، ایدئولوژی را به فناوری تریق کند و آن را فعلا نه در خدمت اهداف خود در آورد (مطیع و خسروپناه، ۱۳۸۹: ۱۰۰). همچنین فناپی اشکوری در کتاب «دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی» به موضوع دانشگاه اسلامی پرداخته است. او نسبت بین دین و علم را تمایز بدون تعارض می‌داند؛ یعنی این دو دارای حوزه‌های مشترک و مختص به هریک هستند اما بین‌شان تنافی وجود ندارد (فناپی اشکوری، ۱۳۷۷: ۳۰). او همچنین علم را به مکتب و جهان‌بینی، وابسته دانسته، ایجاد همخوانی بین این دو را هدف اسلامی‌سازی علم می‌داند (همان: ۳۶). علاوه بر اینها، پژوهش‌های متعدد دیگری حول موضوع صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

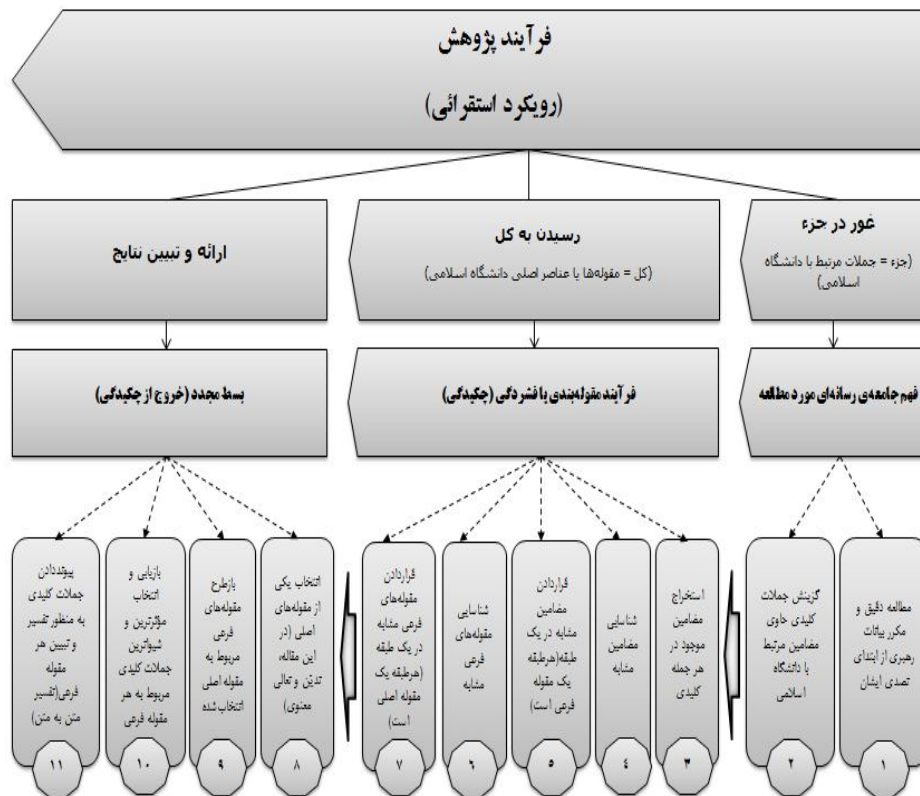
پژوهشی با عنوان «نظام آموزش عالی، دانشگاه اسلامی و امام خمینی (ره)»، با روش اسنادی، مبانی نظری دانشگاه اسلامی را از دیدگاه امام خمینی بیان کرده است که از جمله آن مبانی عبارتند از: جدا نبودن دین از سیاست، جامعیت اسلام، عدم تعارض علم و دین (داوری و سلیمی، ۱۳۷۸). موسوی مقدم نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی ضرورت، هویت، مؤلفه‌ها و استراتژی دانشگاه اسلامی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی»، هویت دانشگاه اسلامی را این موارد معرفی می‌کند: ایمان به مدیریت اسلامی، نگاه انتقادی به میراث فرهنگ اسلامی، تبیین چهره دینی رهبران اسلامی. (موسوی مقدم، ۱۳۸۴)

(د) روش‌شناسی

این مقاله برگرفته از پژوهشی کیفی از نوع تحلیل محتواست. «در تحلیل محتوا محقق می‌کوشد با استفاده از فنون درون‌فهمی به زوایای ذهنی صاحب پیام رسوخ کند و منظور او را از کلمات نمادین به

تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب ❖ ۳۶۳

دست آورد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۲۹۲-۲۹۱). تکنیک مورد استفاده در اینجا، کدگذاری یا همان تجزیه و تحلیل است که طی آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه به روشهای جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۵۷). فرایند تفصیلی تحقیق در نمودار ۱ آمده است.



نمودار ۱: نمای فرایند تحلیل محتوای کیفی

یکی از پیش‌فرضهای تحلیل محتوا این است که برای تبیین یک موضوع نباید تنها بررسی شوند که به صراحت به تبیین و توضیح آن موضوع پرداخته‌اند، بلکه برخی متون به ظاهر بی ارتباط، می‌توانند داده‌هایی را به دست دهند که نقش تکمیل‌کننده در تبیین موضوع دارند (تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۱۳۵). به همین دلیل، جامعه رسانه‌ای مورد مطالعه این تحقیق، کلیه سخنان رهبر فرهیخته انقلاب از ابتدای رهبری ایشان (۱۳۶۸) تا سال ۱۳۹۲ می‌باشد. اما چون نمونه در تحلیل محتوای کیفی معمولاً انتخاب هدفمند مواردی است که پاسخگوی پرسشهای پژوهشند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲)، لذا سخنانی به عنوان نمونه انتخاب شده که با توجه به مخاطبان آنها، بیشتر به تبیین موضوع می‌پردازند. این نمونه عبارت است از متن کلیه بیانات، نامه‌ها و پیامهایی که رهبر انقلاب خطاب به اقشار نه‌گانه ذیل ایراد فرموده‌اند: دانشجویان، مسئولان دانشگاهها،

اتحادیه‌های انجمن اسلامی دانشجویان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نخبگان استانها، اساتید دانشگاه، جهاد دانشگاهی، نخبگان جوان، و نمایندگان رهبری در دانشگاهها.

هـ) یافته‌ها

پس از بررسی جامع و بازخوانی اسناد یادشده در بخش قبل، تعداد ۶۰۰۰ جمله کلیدی از بیانات رهبری گزینش و در مجموع بیش از ۱۲۰۰۰ مضمون از آنها استخراج شد. رویکرد استقرایی پژوهش؛ یعنی استخراج مضامین جزئی تا تحصیل مقوله‌های کلی، بیانگر آن است که دانشگاه اسلامی دارای چندین مقوله اصلی است که در واقع همان مؤلفه‌های اصلی دانشگاه اسلامی را تشکیل می‌دهد. برخی از آنها عبارتند از: آرمان‌گرایی و حرکت، علم‌افزایی و دانش‌آفرینی، هم‌افزایی و پویایی، نخبه‌پروری و شایسته‌محوری، خودباوری و بلندهمتی. یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی دانشگاه اسلامی از منظر رهبر انقلاب، «تدین و تعالی معنوی» است که این مقاله به تشریح و توضیح آن اختصاص دارد. جدول ۱، یافته‌های کمی مربوط به مقوله «تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی» را نشان می‌دهد.

مؤلفه‌های فرعی «تدین و تعالی معنوی» از طریق فرایند مقوله‌بندی به دست آمده است. همان‌طور که مراحل ۱ تا ۵ در نمودار ۱ نشان می‌دهد، هنگامی که مضامین از جملات کلیدی استخراج شدند، با رعایت تشابه و قرابت مفهومی، در دسته‌هایی قرار گرفتند و برای هر دسته عنوانی انتخاب شد که قدر جامع همه مضامین ذیل خود باشد. این عناوین همان مقوله‌های فرعی‌اند. وقتی فرایند مقوله‌بندی مجدداً روی این عناوین ادامه یافت؛ یعنی این عناوین نیز با رعایت تشابه و قرابت مفهومی در دسته‌هایی قرار گرفتند (مراحل ۶ و ۷)، برای این دسته‌های کلی‌تر نیز عنوانی انتخاب شد که قدر جامع موارد ذیل خود باشد. این عناوین جدید، همان مؤلفه‌های اصلی‌اند. در پایان این فرایند، جدول مضامین به دست آمد که نشان می‌دهد هر مضمون به چه مقوله‌ای (فرعی و اصلی) تعلق دارد. لذا از طریق این مضامین می‌توان جملات کلیدی مربوط به مقوله را ردیابی و از آنها برای تفسیر مقوله استفاده کرد.

جدول ۱: مؤلفه‌های فرعی «تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی» و یافته‌های کتی مربوط به آن

مؤلفه‌های فرعی	کتابها	خداجویی دین‌مدار	معرفت توحیدی (صیروت بنیادین)	حضور هدايتگر و بصيرت‌بخش روحانيت	استهداد و استمداد از پروردگار	خواندن مدینه قرآن و دعا	تعهد به میانی (دینی و ملی)	نماز	پرهیز از مظاهر دنیا پرستی	حجاب	ایمان به قضا و قدر الهی	امربه معروف و نهی از منکر	انتظار	جمع
فراوانی مضامین	۶۸۱	۱۲۰	۱۰۲	۴۸	۴۰	۳۷	۲۱	۱۶	۱۱	۴	۳	۱	۱۰۸۴	
درصد	۶۳	۱۱	۹	۴۵	۳۷	۳۵	۲	۱۵	۱	۰۴	۰۳	۰۱	۱۰۰	
اولویت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	-	

همان‌طور که از جدول ۱ می‌توان دریافت، تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی دربردارنده ۱۲ مؤلفه فرعی (مقوله‌های فرعی) است. فراوانی مضامین تحت هر مؤلفه فرعی، بر اهمیت آن مؤلفه حمل شده است. بر همین اساس، اولویت مؤلفه‌های فرعی مشخص شده، هر یک به تناسب اهمیت و اولویت، با مراجعه مجدد به بیانات رهبری تشریح و تبیین می‌شود. (مرحله ۸ تا ۱۱ در نمودار ۱)

۱. خداجویی دین‌مدار

گزینش و پذیرش دین، پاسخ انسان به سرشت خداجوی خود است. آنگاه که قلب انسان در جستجوی آفریدگار است، دین به عنوان پیام الهی به او عرضه می‌شود تا در مسیر خداجویی و خداپرستی با اطمینان و آسودگی خاطر قدم بردارد و به بیراهه الهی و معنویتهای دروغین نیفتد. لذا با استناد بر صریح بیانات رهبری، خداجویی بر اساس دین راستین برای عناصر دانشگاه به عنوان پیشگامان جامعه، یک امر ضرور و بایسته است: «ما در تمدن اسلامی... این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. دنیای غرب... علم را پیش بردند، اما جدای از معنویت بود و شد آنچه که شد! دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرج دانشگاههای کشور، مثل متخرج حوزه‌های علمیه، دیندار بیرون بیاید.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶)

مبتهی بر بیانات رهبری می‌توان گفت دین دست کم از سه بُعد می‌تواند عناصر انسانی دانشگاه را تحت تأثیر خود قرار دهد: جهت‌دهی ایدئولوژیک، مساعدت معنوی و انگیزش.

برای تبیین «جهت‌دهی ایدئولوژیک» لازم است با اقتباس از بیانات رهبر، ابتدا تعریفی از «متدین» ارائه شود. از نظر ایشان، متدین کسی است که باور عمیق و راسخ به معارف و آموزه‌های یک دین داشته باشد. این باورهای راسخ و نهادینه در وجود انسان، ناگزیر بروز عینی داشته و علاوه بر ذهنیات، رفتارها و گفتارها را نیز تحت تأثیر قرار داده، آنها را جهت‌دهی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). از آنجاکه همین رفتارها و گفتارها سبک زندگی را تعریف می‌کنند؛ بنابراین، باورهای دینی و رفتارهای متدینانه تعیین‌کننده سبک زندگی‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹). از سوی دیگر، یکی از جذبات‌ترین ابعاد زندگی برای یک عنصر دانشگاهی، فعالیتها و تلاشهای او در عرصه فراگیری و به‌کارگیری علم است؛ به طوری که می‌تواند توان و استعدادهای خود را مشتاقانه در این زمینه صرف کند. بنابر این، با عنایت به این حلقه‌های ارتباطی در خواهیم یافت که دین به طور قطع، مستقیم یا غیرمستقیم بر فعالیت‌های علمی اثرگذار است.

دین به عنوان پیام الهی می‌تواند ایده‌آل‌های مخاطب را ترسیم یا دست‌کم تعدیل کند. اگرچه دین را به طور کلی روش زندگی دانسته‌اند؛ اما دین، مسیر خداجویی و پرستش معبود است و پرستش از مجرای قول و فعل و حتی ذهن (نیات) صورت می‌گیرد. به خصوص در اسلام، پرستش و عبادت منحصر در افعال خاصی مانند نماز و روزه نیست. هر فعل پسندیده و مفید هنگامی که از طریق اندیشه‌های پاک انسان با پروردگار هستی پیوند بخورد، عبادت است. عبادت به طور کلی؛ یعنی کار برای رضای حق تعالی که نباید آن را به یکسری افعال خاص منحصر کرد. شاهد مدعا آنجاست که رهبری می‌فرماید: «کار برای رضای خدا از اساس تدین و معنویت است. نخبگی و عالم بودن، برتری و امتیاز است، اما این امتیاز وقتی ارزش هزار برابر می‌یابد که برای خدا و در خدمت اهداف او باشد. البته نباید کار برای خدا را محدود و تنگ‌نظرانه تعریف کرد. اگر انسان کاری را انتخاب کند که به عقیده او به نفع آینده کشور است و در آن کار، نخبگی و استعداد علمی خود را به کار ببرد و پیگیری کند و قصد خود را بهره‌مند کردن مردم قرار دهد؛ چنین کاری برای خداست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

به علاوه، بر اساس بسیاری از سخنان اهل بیت (ع)، فراگیری علم دارای شرافت و قداست و مایه دلالت به درگاه «علم مطلق» است. اگرچه علم ذاتاً شرافت دارد، اما قداست آن در مرحله کاربرد، به عامل انسانی بستگی پیدا می‌کند. علم برای اینکه در مرحله کاربست نیز متصف به شرافت و قداست و هدایت شود، به مسیری به نام تدین نیاز دارد تا انسان را به غایت متعالی برساند. رهبری این‌گونه توضیح می‌فرماید: «تدین بر ایمان اهل علم می‌افزاید و ایشان اگر بخواهند راه رشد و کمال و پیشرفت را طی کنند، باید ایمان خود را

۱. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها؛ دوم شهریور.

۲. در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاههای سراسری؛ بیست و سوم مرداد.

۳. در دیدار نخبگان استان یزد؛ پانزدهم دی.

تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب ❖ ۳۶۷

استدلال و استحکام بیخشد والا شک و عدم اطمینان به یک غایت متعالی، انسان را سست و رمق او را خواهد کاست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷). اگرچه دین راستین نیز به نوعی علم است، اما به هرحال دین مسیری را تعریف می‌کند که در آن هیچ‌یک از استعداد‌های انسانی برای پیشرفت دنیوی و تعالی معنوی نادیده گرفته نشوند و قوای او بر مبنای اولویتهای حقیقی‌اش به کار گرفته شوند. مضافاً اینکه سرچشمه اعتلای معنوی و حتی پیشرفتهای علمی و مادی، همان تعالیم انبیا و به وجه اکمل، تعالیم خاتم‌النبین است. در این خصوص رهبری می‌فرماید: «ادعای اثبات‌شده و قطعی ما این است که راه سعادت انسان در تعالیم انبیا است که کامل‌ترین صورت آن، تعالیم اسلام است. بشر منهای تعالیم انبیا حتی پیشرفت مادی هم در حد کنونی پیدا نمی‌کرد، چه رسد به تعالی و بهجت معنوی که زمینه‌ساز عروج او به معارج والای ملکوتی انسان است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷). لذا تدین و ایمان به تعالیم انبیا که در اعمال انسان بروز عینی دارد، می‌تواند به ساختن آینده‌ی کشور کمک کند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴)

به علاوه دین، جوینده علم را به گونه‌ای جهت‌دهی و دلالت می‌کند که با دستیابی به قدرت علم، خود و جامعه را به گمراهی‌های جهان‌بینانه و در پی آن، انحرافات اجتماعی و اخلاقی دچار نکند و برخلاف اقتضای انسانیت، علم خود را به کار نگیرد. ایشان می‌فرمایند: «اگر کسی علم در وجودش باشد، اما ایمان و تقوا و توجه به رضای خدا در او نباشد، می‌تواند موجود مضری باشد و علیه مصالح کشور، علم خودش را مورد استفاده قرار دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴). لذا غفلت از تقوا و تدین، انسان را از جهت‌گیری متعالی محروم و از یاد پروردگار غافل می‌کند و این حرمان نیز چالش‌های معنوی و اخلاقی و اجتماعی در پی دارد. ایشان ضمن اشاره به ابتلای غرب به چنین چالش‌های مهلکی، دلیل آن را نادیده گرفتن تدین حقیقی دانسته، می‌فرمایند: «در دنیای امروزی، جوانان به دلیل ناپرهیزی‌هایشان گرفتارند. این هیپی‌گری و انواع بدبختی‌ها که طی ۴۰-۳۰ سال اخیر گریبان جوامع اروپایی و آمریکایی را گرفته است، به دلیل دوری از خدا و غفلت از استغفار و ناپرهیزی در گناهان است. سیاستمداران غربی متوجه این امر شده‌اند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴)

از سوی دیگر، تدین مساعده‌های معنوی را که بازتاب اعمال خداپسندانه است، برای انسان به ارمغان می‌آورد و از طریق اخلاص و باورهای مؤمنانه، وجود انسان را برای جامعه، پرخیر و پیش‌برنده می‌کند. در این باره می‌فرماید: «خداوند متعال همیشه در کارهایی که از ایمان و اخلاص می‌جوشند، تأثیرات و برکات بزرگی قرار می‌دهد و در مقابل، هر کاری که روی حسابگری‌های مادی انجام شود، متزلزل خواهد بود»

۱. در جمع دانشجویان دانشگاه تهران؛ بیست و دوم اردیبهشت)

۲. در دیدار دانشجویان؛ هفتم مهر.

۳. در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور؛ سوم مهر.

۴. در دیدار جمعی از دانشجویان؛ دهم آبان.

۵. در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان؛ دهم آبان.

۳۶۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

(خامنه‌ای، ۱۳۷۲). راز این تأثیرگذاری بزرگ آن است که انسان از طریق اخلاص، قوای محدود خود را به قدرت نامتناهی خداوند پیوند می‌دهد که در این حالت، دامنه وجودی انسان وسیع‌تر و تأثیرگذاری او بیشتر می‌شود. در تأیید این سخن، ایشان با استناد به روایت «من كان لله كان الله له» می‌فرمایند: «هر کس برای خدا باشد، قدرت الهی در خدمت او قرار می‌گیرد» (همان) و «هر کس برای خدا کار کند، خدا هم تمام امکانات و علم و قدرت خودش و سنت‌های آفرینش را در خدمت او قرار خواهد داد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

بنابراین، هرچه جوینده علم روبه سوی خداوند داشته باشد و در همه عرصه‌های زندگی به‌ویژه فراگیری علم، بیشتر متوجه درگاه حق تعالی باشد، انعکاس لطف و رحمت او را بیشتر دریافت می‌کند. جوینده‌ای که غایت و مقصود والای خود را محبت و رضای خداوند قرار می‌دهد و قوای خود را در مسیر خواست او به کار می‌گیرد، اسباب مادی یا برکات الهی بیشتر در اختیار او قرار می‌گیرد و به تعبیر ایشان: «تدین سبب توجهات الهی و توجه حق تعالی نیز موجب توفیقات انسانی است و لذا اهل می‌توانند در فعالیت‌های علمی خود کارهای دشوار را به پشتوانه قدرت الهی به انجام برسانند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

ویژگی انگیزشی دین نیز در این است که همه افعال انسان را به مقصودی والا و جذاب متوجه می‌کند. دین با دعوت به جلب رضای خداوند و اطمینان دادن نسبت به وعده‌های صادق خداوند، انسان را از ایستایی و ناامیدی در مسیر زندگی خود دور می‌کند. اینجاست که رهبری می‌فرمایند: «وقتی ایمان در وجود انسان باشد، در هیچ مرحله‌ای از زندگی دچار ناامیدی و ایستایی نمی‌شود. چیزی که مانع از بروز احساس رسیدن به آخر خط می‌شود، ایمان به یک مبدء و یک نقطه است. البته این نقطه می‌تواند در اعلی درجه، ایمان به خدا باشد و می‌تواند ایمان به یک ایده انسانی باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷). ایشان به برخی از وعده‌های الهی اشاره می‌کنند که نورایمان به مبدء متعال را در قلب انسان می‌افروزند و او را به تلاش در مسیر اهداف الهی برمی‌انگیزد: «از جمله وعده‌های صادق الهی که نیروی انگیزه را به قلب انسان جاری کرده و او را برای دشواری‌های راه پیشرفت و تعالی مهیا می‌کند، آیه «لینصرن الله من ینصره» است؛ یعنی بی‌شک، بدون تردید خدای متعال کسانی را که دین و اهداف او را یاری کنند، یاری خواهد کرد. این پیام الهی، وعده صادقی است که باید به آن اعتماد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

۱. در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان؛ دوازدهم آبان.

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب؛ پانزدهم اسفند.

۳. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز؛ چهاردهم اردیبهشت.

۴. در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب؛ پانزدهم اسفند.

۵. در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان؛ دوازدهم آبان.

۲. معرفت توحیدی (بصیرت بنیادین و اساسی)

معرفت توحیدی (به ویژه توحید افعالی و استعانی)، اساسی‌ترین ویژگی انسان را که همان نیاز و افتقار اوست، به انسان بازگو می‌کند و علم به طور کلی، اساسی‌ترین نیاز بشریت است که تحصیل آن، واسطه و ابزاری است برای رفع سایر نیازها. علم، قدرت تسلط و تسخیر مادیات را به انسان می‌دهد تا در جهت اهدافش از آنها بهره‌برداری کند. در واقع؛ جوینده علم به دنبال چیزی است که تأمین سایر نیازهای بشر در گروهی تحصیل آن است؛ اما خود او نیز در آغاز، هنگام و انجام هستی‌اش نیازمند است. معرفت توحیدی این نیاز همیشگی به یک موجود مطلق را به باور جوینده علم می‌آورد تا دریابد که خداوند نور یکپارچه هستی است^۱ و علم هم نوری است^۲ به گستردگی تمام هستی^۳ که خداوند مبدء و منتهای آن است و جوینده علم باید رو به سوی او داشته باشد تا سایه‌های جهل رفته‌رفته در پس او قرار گیرند. علامه جعفری به نقل از کانت می‌گوید: «اینکه پایان علم خداست، حق است» (جعفری، ۱۱۳۸: ۶۱). آنکس که رو به سوی نور مطلق نداشته باشد و پشت به آن حرکت کند، هرچه در تعلم بیشتر بتازد، از سایه‌های جهل پیشی نخواهد گرفت.^۴ بنابر این، در دانشگاه اسلامی، جوینده علم در صحنه یکپارچه و باعظمت علم الهی، خود را موجودی محدود می‌بیند که اشراق و احاطه او بر این صحنه بی‌منتها با استدعا به درگاه پروردگار صورت می‌گیرد.^۵

اهمیت و تأثیر باورهای توحیدی را از جای‌جای بیانات راهبری می‌توان دریافت و اقتباس کرد: هنگامی که جوینده علم، باوری موحدانه و رو به سوی منشأ هستی دارد، در همه ابعاد زندگی به او تکیه می‌کند. بدین سان در کارهای دشوار، همچون تولید علم، پشتوانه خود را استحکام و گامهای خود را استمرار می‌بخشد (خانم‌ای، ۱۳۸۴) و دید خود را به حیات، هدفدار می‌کند؛ به گونه‌ای که رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه‌های مختلف، به ویژه عرصه علم، متصف می‌شوند به همسویی برای سعادت و عروج به معارج والا (خانم‌ای، ۱۳۶۸). سعادت در پیشگاه آفریدگار، آن هدفی است که انجذاب و گیرایی خود را حتی در صورت شکست‌های دنیوی از دست نخواهد داد. با این نگاه موحدانه، هرگونه تلاشی در راه هدف، انسان را قطعاً به نتیجه می‌رساند و دیگر ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی در زندگی معنی ندارد. (خانم‌ای، ۱۳۸۹)

۱. «اللَّهُ نُورٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵)

۲. «أَمَّا هُوَ (علم) نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مِنْ يَشَاءُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ» (شهید ثانی، بی تا: ۱۴۹)

۳. «هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طه: ۹۸)

۴. «لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ أَمَّا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مِنْ يَشَاءُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ» (شهید ثانی، همان). «إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» (ملک: ۲۶)

۵. «لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ» (بقره: ۲۵۵)؛ «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴).

۶. در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی؛ پنجم خرداد.

۷. در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب؛ بیست و نهم آذر.

۸. دیدار دانشجویان و جوانان استان قم؛ چهارم آبان.

این نگرش توحیدی، جهان‌بینی‌ای را به ارمغان می‌آورد که در آن دستیابی به علم و در پی آن، تسخیر و تسلط بر طبیعت، قرین با خسارتها و انحرافات نخواهد بود که اکنون غرب به آنها گرفتار شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲؛ هجو، ۱۳۹۱). در این جهان‌بینی، علم از دام «برای علم بودن» رها می‌شود و جهت پیدا می‌کند، یعنی رو به هدف معینی سیر تکاملی می‌یابد. علامه جعفری بر این باورند که با نظر به مجموع منابع اسلامی، به طور قطع می‌توان گفت جهت علم در اسلام، عین همان جهتی است که خود اسلام نیز در آن جهت حرکت می‌کند. دستیابی به علم و شناخت واقعیات، به ارتباط با حق تعالی منتهی می‌شود. (جعفری، ۱۳۸۸: ۶۰)

پایه و اساس همه ادیان راستین، باور به یگانگی آفریدگار هستی است. پروردگار، آن مقصودی است که پندارهای راستین و رفتارهای نیک، مستقیم یا غیرمستقیم رو به سوی او دارند و او معنابخش همه خوبی‌ها و راستی‌هاست. انبیای الهی هم برای تفهیم این معنا تلاش می‌کردند تا انسان به طور قطع دریابد که راه سعادت اخروی و حتی پیشرفت دنیوی در تعالیم آنهاست. رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «ادعای اثبات شده و قطعی ما این است که راه سعادت انسان در تعالیم انبیاست که کامل‌ترین صورت آن، تعالیم اسلام است. بشر منهای تعالیم انبیا حتی پیشرفت مادی هم در حد کنونی پیدا نمی‌کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷). جوینده علم هر اندازه که این باور را در اندیشه خود راسخ‌تر و عمیق‌تر کند، به همان نسبت رفتارهایش خداجویانه‌تر و روح او متعالی‌تر خواهد شد. این مهم در مرتبه اول از طریق انتخاب جهان‌بینی و فهم مفاهیم اولی توحید حاصل می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «با نگاه توحیدی، جهان طبیعت هدفدار است؛ پس پیدایش و زندگی انسان به عنوان جزیی از این جهان، هدفدار است. وقتی انسان درمی‌یابد که وجودش هدفدار است، در جستجوی آن هدف برمی‌آید و بعد از شناخت هدف، تلاش برای رسیدن به آن شروع می‌شود. در این صورت، همه زندگی تلاش هدف دار می‌شود. از نظر خدای متعال، همین تلاش و تکاپو برای تحقق هدف، اجر و پاداش دارد. لذا در این مسیر به هر نقطه‌ای که برسد، در واقع به هدف رسیده است. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. این، اساسی‌ترین پایه بصیرت است که زندگی را چهره‌ای زیبا و تلاشها را حلاوت می‌بخشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

بر همین اساس، در معرفت توحیدی، کسی که زمینه‌ساز و عهده‌دار پیشرفت بشر است، به تناسب درک گسترده‌ی علم، بیش از دیگران نیازمندی خود را به مبدا هستی درمی‌یابد. جوینده‌ای که معرفت توحیدی دارد، هر چه که کوچکی خود را در صحنه گسترده و با عظمت علم درک می‌کند، به همان نسبت

۱ دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب: بیست و چهارم آذر.

۲ دیدار اساتید دانشگاهها: بیست و دوم مرداد.

۳ دیدار دانشجویان: هفتم مهر.

۴ در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم؛ چهارم آبان.

تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب ❖ ۳۷۱

به بی‌نیاز هستی‌بخش شوق می‌یابد و متعاقباً او را نقطه‌والا و نهایی برای سیر هستی خود برمی‌گزیند؛ چراکه نیاز پیوسته و گسترده او سرچشمه تمایل به بی‌نیاز هستی‌بخش است.

۳. حضور هدایتگر و بصیرت بخش روحانیت

حضور روحانیت در دانشگاه در درجه اول، پاسخی به اقتضائات و گرایشهای معنوی جوانان است. داشتن پناه معنوی و دریافت دانش معتبر دینی، از جمله نیازهای دوره جوانی است که روحانیت عهده‌دار آنهاست. لذا رهبری بر این باور است که: «جوان به مقتضای دوره جوانی نیاز دارد که خود را در پناه یک روح بزرگ و خیرخواه، فکر بلند و نفس مهربان و صبور قرار دهد و روحانیان دانشگاهها می‌توانند با همدلی و راهنمایی و طبابت روحی و معنوی این نیاز جوانان را برآورده سازند و ملجأ و پناه روحی آنها قرار گیرند تا دانشجویان از او علاج و یا تسلا بجوید. روحانیت دانش دین و معارف اسلامی را در دانشگاه به صورت قوی، منطقی و کاملاً مستدل و متناسب با فهم دانشگاهیان مطرح می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵). اما مهم‌ترین راهبرد برای توفیق روحانیت در این مسئولیت، آن است که دعوت با رفتار را بر دعوت زبانی مقدم کنند. این راهبرد باعث می‌شود جوانان با پیشرو داشتن الگوی عینی، دین‌پذیری آسان‌تری داشته باشند. ضمن اینکه چنین رفتاری، بهترین پاسخ به ستیزه‌جویی‌ها علیه روحانیت است. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «مهم‌تر از آن تأثیر رفتار و عملکرد روحانیون در تقویت ایمان مذهبی دانشگاهیان است؛ زیرا علمای دین همواره مردم را با رفتار، روش زندگی و شیوه برخورد با مسائل، به دین دعوت کرده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵) و «چیزی که دلها را نرم می‌کند، آدمهای معاند را به زانو درمی‌آورد، همین رفتار درست است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

به درستی، چنین حضور مؤثر و هدایت‌بخشی، شرایط و الزاماتی دارد که رهبری آنها را این‌گونه توضیح می‌دهد: «روحانیون حاضر در دانشگاه علاوه بر برخورداری از علم، تقوا و احتیاط در عمل، باید چند خصوصیت داشته باشد. اولاً، محیط دانشگاه و مسائل دانشجویان را بشناسد. اگر روحانی به تفاوت محیط ذهنی و روحی و عملی دانشگاه با سایر محیط‌ها توجه نداشته باشد و با همان روحیه و خصوصیات و مطالبی که به بازار یا مسجد می‌رود، به دانشگاه برود، به گمان قوی در برخورد اشتباه خواهد کرد. باید دانشگاه را کماهو بشناسد و مشکل و مسائل دانشجویان را بفهمد. دوم، علاقه و اعتقاد به دانشجویست. اگر کسی از شکل دانشجویان و جوانان این‌طوری بیزار است، نباید پایش را به دانشگاه بگذارد. اگر روحانی می‌خواهد نشانه‌ای از بینونت و فاصله بین او و دانشجویان نباشد، باید رابطه خود را با دانشجویان بر اساس محبت و علاقه قرار دهد و به رسالت او و درس و محیط تحصیلش، اعتقاد داشته باشید. سوم اینکه، بدانند نحوه رابطه او با

۱. در دیدار مسئولان نهاد نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاهها با رهبر انقلاب؛ نوزدهم شهریور.

۲. در دیدار مسئولان نهاد نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاهها با رهبر انقلاب؛ نوزدهم شهریور.

۳. در دیدار اعضای نمایندگی رهبری در دانشگاهها؛ بیستم تیر.

این محیط و این مخاطب، تأثیر بسیار بزرگی در امور مهم دارد. به این دانشجو، به چشم بی‌اهمیت نگاه نکند. اگر روحانی بتواند دانشجو را مؤمن و دلسوز و مخلص بار بیاورد، او مثمر‌تر خواهد شد و نسبت به روحانیت، قضاوت خوبی خواهد داشت. اما اگر از عهده این کار برنیاید و پیوند فکری یا عملی یا عاطفی فی‌مابین به هم خورد، بعید است که او بین روحانی حاضر در دانشگاه و سایر روحانیون تفکیک قائل بشود و این کاستی را بقیه تعمیم ندهد. البته روحانی خوب کاری نمی‌کند که اسباب زحمت دستگاه دولتی بشود و برای رئیس دانشگاه مشکلی پیش بیاید.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹)

۴. استهداء و استمداد از پروردگار

اگر معرفت توحیدی در قلب حلول کند و انسان دریابد که خداوند مسبب‌الاسباب بوده و هر سببی به خواست او مسبب است، آنگاه برآورده شدن نیازها و خواسته‌های خود را به پروردگار نسبت می‌دهد و از او خواهش می‌کند. استمداد و خواهش از پروردگار به این معناست که انسان بداند خواسته‌ها و نیازهایش از طریق امور و پدیده‌هایی تأمین می‌شود که خداوند آنها را جاری ساخته و اوست که با جریان امور و نیز انجذاب‌های معنوی، انسان را دستگیری و هدایت می‌کند. بر همین اساس، رهبری مؤکداً می‌فرماید: «باید از خداوند کمک و هدایت خواست و به یاری او امیدوار بود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵)؛ زیرا به باور ایشان: «هرچه جوان بیشتر به خدا احساس نیاز کند و دست نیاز به سوی خدا بیشتر دراز کند، عمل، رفتار و فکر او به آسیب کمتری دچار می‌شود و جامعه از او بهره بیشتری خواهد برد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). «باید به خدای متعال توکل کند؛ از خدا استمداد کند و با بصیرت پیش برود. در این صورت... در تحقق آرمانها و آرزوهایی که انقلاب و اسلام ترسیم کرده است، سهم و مؤثر خواهد بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

البته باید در نظر داشت که هدایت‌خواهی و مددطلبی از پروردگار، نافی عقل و قوای وجودی انسان نیست، بلکه پشتیبان و مایه افزونی آنهاست. رهبری می‌فرماید: «اگرچه بدون شک در گزینش راه تقدیر انتخاب با انسان است، اما نقش هدایت و کمک الهی را حتماً باید در نظر داشت. گاهی انسان برای انجام کاری خسته می‌شود، از خدای متعال نیرو می‌خواهد، خدا هم به او نیرو می‌دهد و حرکت می‌کند. گاهی در یک انتخاب دچار مشکل می‌شود، از خدای متعال هدایت و دستگیری می‌خواهد، خدا هم او را هدایت

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولی‌فقیه در دانشگاههای کشور و مسئولان دفاتر؛ هشتم مهر.

۲. پیام به نشست سراسری اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا؛ یکم مهر.

۳. در دیدار اساتید دانشگاهها؛ هشتم شهریور.

۴. در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم؛ چهارم آبان.

تدبیر و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب ❖ ۳۷۳

می‌کند. پروردگار عالم فرموده است از من هدایت و کمک و توفیق بخواهید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳). بنابر این، «با توسل به دامان قدس الهی و ذیل عنایت الهی می‌توان خیلی کارهای دشوار را انجام داد». (خامنه‌ای، ۱۳۸۷)

۵. خواندن مدبرانه‌ی قرآن و دعا

مرحمت و لطف الهی اقتضا دارد که هر بنده‌ای به تناسب ظرفیت دریافتش بتواند به هدایت الهی دسترسی داشته باشد. یکی از مجاری هدایت الهی، کتاب خداست که انسان را از سرگشتگی‌ها آگاه و به درستی و حقیقت مشتاق می‌کند. مبتنی بر تکرار و تأکید کلام خداوند، بدون شک قرآن می‌تواند هر مخاطب عاقلی را به یاد و معرفت پروردگار سوق دهد.^۳ از همین روست که انسان را به خواندن برمی‌انگیزد^۴ و به تعقل در پیام الهی دعوت می‌کند^۵ تا او روشنایی پیدا کرده و بتواند از ناملایمات رهایی یابد و بیشتر به مهربانی و مرحمت الهی نایل شود.^۶ اینهاست که جوینده علم را خودساخته می‌کند تا بتواند حرکتی سریع تر و وجودی اثرگذارتر داشته باشد؛ از همین رو، رهبری عناصر دانشگاهی را متوجه کتاب خدا می‌کنند: «با تمسک به سرچشمه زلال قرآن و درسهای حیات‌بخش نبوی و ائمه معصومین (ع)... می‌توان در کسب علم و خودسازی و جامعه‌سازی توفیق حاصل کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

در بیان ایشان روشن است که در کنار قرآن، به مقتضای احوال مختلف انسان و فراز و نشیبهای زندگی، سخنان و حیانی اهل بیت رسول‌الله (ص) می‌تواند پناه معنوی بوده، امید و راه بهبود را به انسان نشان دهد؛ زیرا «در این دعاها هدایت فکری و مضامین مهمی نهفته است که ما احتیاج داریم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷). به علاوه، انس با قرآن و تدبیر در قرآن و ادعیه معتبر مثل صحیفه سجاده، در تعمیق حکمت و معرفت دینی و تحصیل صفای روح و آرامش و سکینه لازم نقش بسیاری دارد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

۱. در دیدار جمعی از جوانان استان همدان؛ هفدهم تیر.

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز؛ چهاردهم اردیبهشت.

۳. «وَ لَقَدْ نَسَرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ». (قمر: ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰)

۴. «فَاقْرَأْ وَ مَا تَسْبِرُونَهُ». (مزمل: ۲۰)

۵. «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (بقره: ۲۴۲)

۶. «وَ نَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ». (اسراء: ۸۲)

۷. پیام به چهل و دومین نشست سالانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا؛ سوم آذر.

۸. در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب؛ پانزدهم اردیبهشت.

۹. در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران؛ سیزدهم بهمن.

۱۰. در دیدار معلمان و اساتید دانشگاههای خراسان شمالی؛ بیستم مهر.

۶. تعهد به مبانی (دینی و ملی)

تعهد نیرویی درونی است که استمرار یک رفتار و اندیشه را در انسان تضمین می‌کند. بیشتر پروزی‌ها و توفیقات انسانی نتیجه استمرار بر یک رفتار و اندیشه درست بوده است؛ چراکه در غیراین صورت، حتی اراده‌های درست نیز به نافرجامی یا ناتمامی می‌انجامند. لذا میثاقی که جوینده علم نسبت به آیین و مین برای خودش تعریف کرده، می‌تواند تعیین‌کننده وفاداری و خدمت‌رسانی به جامعه‌ای باشد که وامدار آن است. اینجاست که رهبری می‌فرماید: «جوان مؤمن که مبانی جمهوری اسلامی را عمیقاً پذیرفته است، امیدبخش‌ترین نیرویی است که می‌تواند ملت ایران را در رسیدن به آرزوهای بزرگش یاری برساند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷). ایشان تعهد به مبانی را یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌های کشور می‌دانند: «امروز، تلاش گسترده‌ای از سوی دشمنان به کار می‌رود تا سرمایه اصلی استقلال و سربلندی و پیشرفت کشور که همان تعهد به اصول انقلاب است، از ذهن و عمل جوانان بزدایند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

تعهد به مبانی دینی و ملی در کنار علم‌آموزی، نقش هم‌افزایی ایفای می‌کند. به باور رهبری: «فرهیختگی وقتی با تعهد و احساس مسئولیت همراه باشد ثمره دوجندان را برای پیشرفت کشور به ارمغان می‌آورد. تعهد نسبت به مجموعه عظیم امکاناتی که این نخبگی و استعداد، محصول آن امکانات است و تعهد به آینده کشور» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). لذا «باید در محیط دانشگاه، احساس تعهد و مسئولیت نسبت به مسائل کشور و مسائل اجتماعی بیش از پیش وجود داشته باشد و اساتید و دانشجویان نسبت به سرنوشت و آینده کشور و آینده نسلها احساس مسئولیت کنند و روح فردگرایی و به فکر سرنوشت شخصی بودن، تضعیف شود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳).

۷. نماز

نماز یکی از جلوه‌های بیرونی تدبیر و نیز یکی از اسباب تعالی معنوی است. به دیگر سخن، تعالی معنوی عناصر دانشگاهی در معرفت و اندیشه‌های نظری که تحت مؤلفه‌های پیشین اشاره شد، پایان نمی‌یابد؛ بلکه تکالیف جوارحی را نیز لازم دارد که در واقع، بستر ارتباط با پروردگار هستی و تقریب بخش دانشمند به درگاه اوست. نماز یکی از آن تکالیف و یکی از برترین و عالی‌ترین جلوه‌های ارتباط با خدای متعال است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷). رهبری، حقیقت نماز را این‌گونه توضیح می‌فرماید: «روح نماز عبارت است از پیوند با

۱ پیام به نهمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل: سوم شهریور.

۲ پیام به گردهمایی مسئولان انجمن‌های اسلامی دانشگاهها: دهم مرداد.

۳ دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور: ششم آبان.

۴ دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها: بیست و ششم آذر.

۵ در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز؛ چهاردهم اردیبهشت.

تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب ❖ ۳۷۵

خدا و خشوع در محضر او و بهره‌مند شدن از معنویت راستین، پاکیزه کردن روح و پالایش ذهن از وسوسه‌ها» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴). رسیدن به حقیقت نماز، ثمره‌های والایی خواهد داشت که در کلام ایشان تصریح شده است: «نماز صفای روح را برای انسان به ارمغان می‌آورد و آرامش وطمأنینه لازم را برای فعالیتهای مختلف زندگی به او می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)؛ چرا که «مضامین شریف اذکار نماز، جزء برترین چیزهایی است که انسان به آن نیاز دارد». (خامنه‌ای، ۱۳۸۴)

۸. پرهیز از مظاهر دنیاپرستی

علم منشأ قدرت، تسلط و برتری است. هر اندازه که عنصر دانشگاهی قدرت علم را به دست می‌آورد، به همان نسبت لغزشگاه‌های او باریک‌تر می‌شوند و می‌تواند علم را ابزاری برای رسیدن به تفاخرات اجتماعی قرار دهد. علم می‌تواند مناصب دولتی، منابع مالی، مرجعیت علمی و نفوذ سازمانی را برای فرد به همراه بیاورد. اگرچه اینها ذاتاً نکوهیده نیستند، اما طعمه‌های خوبی برای خوی دنیاپرستی هستند. اگر غایت فرد از دانشجویی صرف رسیدن به چنین جایگاههایی باشد، مصداق بارز مادیگری و گرایش مادی خواهد بود و این درحالی است که تفکر و تمدن مادی، دشمن تعالی بشریت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). البته آنچه نکوهیده است، دل سپردن به مظاهر دنیاپرستی است، نه به خدمت گرفتن علم در جهت آباد کردن دنیا برای افراد جامعه (خامنه‌ای، ۱۳۷۳)؛ چنین تلاشی نه تنها پسندیده و از اهداف دانشگاه اسلامی است، که در صورت پیوند با یک هدف حقیقی و مقدس، منشأ تعالی خواهد بود.

۹. حجاب

حجاب یکی از ضرورت‌های جامعه اسلامی است؛ اما در تعیین اولویت و بیان ضرورت آن، اغلب جامع‌نگری و ظرافت‌های زنانه کمتر به چشم می‌خورد. در مقابل، رهبری برای تفهیم بایستگی حجاب می‌فرماید: «حجاب، تکریم و بزرگداشت کسی است که در حجاب است. در بیشتر کشورهای اروپا تا دو سده سیصد سال پیش، زنهای اعیان و اشراف حجاب می‌انداختند که چشمها به آنها نیفتد. این، تکریم است. در ایران باستانی هم زنهای اعیان و اشراف همه باحجاب بودند، اما زنهای طبقات پست، بی‌حجاب هم حاضر می‌شدند. اسلام این تبعیض را کنار گذاشت و این تکریم را به زنان فرا دست و فرودست تعمیم

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان؛ نوزدهم اردیبهشت.

۲. در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی؛ بیستم مهر.

۳. در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان؛ نوزدهم اردیبهشت.

۴. در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم؛ چهارم آبان.

۵. در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب؛ پانزدهم اسفند.

داد؛ یعنی این تکریم مال همه زنان است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶). البته تحقق دانشگاه اسلامی منوط به رعایت حجاب نیست، گرچه دارای اهمیت و یکی از ظواهر آن است. از همین رو، ایشان جایگاه حجاب را نسبت به مؤلفه‌های پراهمیت‌تر در دانشگاه اسلامی این گونه بیان می‌کند: «همه خیال می‌کنند دانشگاه اسلامی یعنی حجابها این طوری باشد، پسرها آستین کوتاه نپوشند و زلفها بلند نباشد؛ اینها معنای دانشگاه اسلامی نیست! دانشگاه اسلامی را ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اسلامی و علم‌آموزی مؤمنانه می‌سازد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

۱۰. ایمان به قضا و قدر الهی

باور نداشتن به نقش خداوند در سرنوشت انسان، باعث می‌شود که او خود و طبیعت را علت تامّ در تعیین سرنوشت تلقی کند. چنین باوری، عنصر دانشگاهی را به سمت علم سکولار سوق می‌دهد. همان‌طور که عده‌ای تحت تأثیر توفیقات علم سکولار این اندیشه را رواج می‌دادند که دنیا را باید با علم (به مفهوم رایج غربی آن) اداره کرد و اعتقادات دینی صرفاً به کار آخرت می‌آید (گلشنی، ۱۳۹۰: ۴۲). لذا این نادرست است که بگوییم با اعتقاد به مشیت و قضا و قدر الهی نمی‌توان اراده انسان را در آینده مؤثر دانست؛ اینها دو مفهوم مکملند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳) که تدبیر خالق و اراده مخلوق مختار را در تناسب و هماهنگی حقیقی معرفی می‌کنند؛ به طوری که هیچیک نافی دیگری نیست، بلکه انسان می‌تواند قضای الهی را پشتیبان اراده راستین خود کند.

۱۱. امر به معروف و نهی از منکر

رابطه عناصر دانشگاهی قرین با مسئولیت نسبت به یکدیگر است. ایشان در فضایی از نیک‌خواهی باید هم‌افزایی و تکامل بخشی نسبت به یکدیگر را وظیفه خود بدانند؛ در غیر این صورت، علم (به عنوان منشأ قدرت) در حصر دارنده آن باقی می‌ماند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مسئولیتهای رشددهنده و تعالی بخش است که در کلام رهبری خطاب به عناصر دانشگاهی تصریح شده است: «انسان در محیط‌های گوناگون که با دیگران همراه است، سعی کند به دینداری و ارتقای معنویت آنها کمک کند و اگر دوستی در جای پای کج می‌گذارد، او را برادرانه و مشفقانه بازدارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶). البته همچنان که از بیان رهبری می‌توان دریافت، امر به معروف و نهی از منکر را نباید به موضوعات عبادی محصور کرد و موضوعات مهم اجتماعی را که در ظاهر به عبادت ارتباط ندارند از دامنه شمول این وظیفه خارج دانست. ضمن اینکه تحصیل علم، اساسی‌ترین معروف است و ارتقای معنوی نیز با علم (به معنای عام آن) حاصل می‌شود.

۱. در دیدار دانشجویان دانشگاههای استان یزد؛ سیزدهم دی.

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)؛ بیست و نهم دی.

۳. در دیدار جمعی از جوانان استان همدان؛ هفدهم تیر.

۴. در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاهها؛ سی و یکم اردیبهشت.

۱۲. انتظار

انتظار ظهور منجی، امید به شکوفایی انسان در همه ابعاد وجودی اوست. علم، به گستردگی جهان هستی است و بشر در باریکه کوتاه عمر خود نمی‌تواند به همه آن دست یابد و ناچار باید برخی را برگزیند. لذا این احتمال وجود دارد که انسان در اولیت‌دهی به شاخه‌های علوم اشتباه کند و در برخی از شاخه‌ها به شکلی غور کند که نامتعادل و نامتناسب با ابعاد وجودی اوست. انتظار، امید به جبران این کاستی و حتی شکوفایی علمی را در قلب دانشجو و دانشمند زنده می‌کند. با این دیدگاه، رهبری موضوع انتظار را نور امید برای همه بشریت می‌داند: «موضوع امام زمان (عج) انتظاری در دل همه قشرهای بشر و ملت‌های عالم است. امیدی است در دل بنی آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می‌کند. این امید، به بازوان قوت می‌بخشد، به دلها نور می‌دهد و معلوم می‌کند که هر حرکت عدالت‌خواهانه‌ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱)

(و) بحث و نتیجه‌گیری

مقوله «تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی» به روشنی به نسبت بین علم و دین انصراف دارد. مبتنی بر بیانات رهبری، علم همگام با دین می‌تواند تعالی‌بخش و پیش‌تاز باشد؛ زیرا از یک سو تأکیدها و تأییدهای دین، جوینده علم را به سوی پیشرفت علمی در مسیر حقیقت مطلق سوق می‌دهد و از سوی دیگر، تدین آثار معنوی و حتی تکوینی دارد. در تأیید این نتایج، کونینگ می‌گوید: دین انسان را به یک قدرت فراتر از خود متوجه و متکی می‌کند و از همین طریق، سلامت روانی را که لازمه فعالیت‌های مهم انسانی است، به ارمغان می‌آورد. (کونینگ، ۱۳۸۰: ۸۶)

به دیگر سخن؛ تدین و باورمندی به تعالیم دین، رونق‌بخش علم و تعالی‌بخش عالم است؛ چون او را به علم‌جویی و فعالیت علمی مداوم و امیدوارانه برمی‌انگیزاند و مجموع تلاش‌های علمی او را به مقصودی والا و حقیقی دلالت می‌کند. پیشینه جهان اسلام در دوران درخشش خود، دلیلی نافذ برای صدق مدعاست؛ همچنانکه «با نشر دین اسلام، علاقه به علم پدید آمد و طالبان علم مسافتهای دور و دراز را برای آموختن علم طی می‌کردند؛ علوم این دوره اسلامی، مولودی با نشاط بود که به حد رشد رسید» (داوری اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۵۷). این گونه بود که جهان اسلام از نیمه دوم قرن دوم، به مدت شش قرن رهبری علمی جهان را در دست داشت. (گلشنی، ۱۳۹۰: ۹۹)

بنابر این، از دیدگاه رهبری، رابطه تدین و علم، رابطه هم‌سویی و هم‌افزایی است. دانشجو و دانشمند اسلامی در پی علم‌اند و علم بخشی از حقیقت بی‌منتهاست که خالق متعال، عالی‌ترین مرتبه و مبداء آن حقیقت است. جوینده علم در این مسیر بی‌منتها می‌پوید؛ درحالی‌که تدین او را به سوی عالی‌ترین مرتبه علم جهت می‌دهد و او را رفعت و برتری می‌بخشد. این اساسی‌ترین مؤلفه معنوی در دانشگاه اسلامی است که با اقتباس از بیانات رهبری توصیف و تفسیر شد. این مؤلفه اصلی، «تدین و تعالی معنوی» مشتمل بر ۱۲ مؤلفه فرعی است که به ترتیب فراوانی مضامین مربوط عبارتند از: خداجویی دین‌مدار، معرفت توحیدی، حضور هدایتگر و بصیرت‌بخش روحانیت، استهداء و استمداد از پروردگار، خواندن مدبرانه قرآن و دعا، تعهد به مبانی دینی و ملی، نماز، پرهیز از مظاهر دنیاپرستی، حجاب، ایمان به قضا و قدر الهی، امر به معروف و نهی از منکر، انتظار.

عناصر انسانی دانشگاه برای تعالی معنوی، اولاً باید عالم فراماده و معنویات را باورداشته، آنگاه برای جویندن و پرستیدن آفریدگار هستی، مسیر تدین به دین راستین و حقیقی را برگزینند. ارمان چنین دینی، اعتقاد به توحید است که هستی را در نگرش انسان غایت‌گرا کرده، این نگرش را ارزشی پایدار می‌بخشد. هنگامی که روح خداجویی و معرفت توحیدی در قلب اهل علم حلول کند، با دیدن تنگناها و محدودیت‌های بسیار خود از پروردگار هستی مدد می‌جوید و بر قدرت بی‌منتهای او تکیه می‌کند تا هنگام دشواری‌ها پیروز شود. او با تدبیر در کلام خدا، خود را از گمراهی‌ها و سرگشتگی‌ها نجات می‌دهد و با نماز به خداوند می‌پیوندد تا شیفتگی او به پروردگار هستی بخش روزافزون شود. اینها جوینده علم را از مادیات، برتری و تعالی می‌بخشد و او را کمک می‌کند که درگیر و گرفتار مظاهر دنیاپرستی نشود. همچنین آنجا که در مسیر یک غایت متعالی، تلاشهای بسیارش به نتیجه دلخواه نمی‌انجامد، ایمان به قضای الهی، احساس خسارت و سرکوب شدن را از او می‌گیرد و امید بهبود و نیروی تغییر را به او می‌دهد. کونیک در تأیید این نتایج می‌گوید: دین (مشتمل بر ایمان به خدا، دعا، قرائت کتاب مقدس) آرامش می‌آورد و انسان را از ناامیدی‌های می‌بخشد. افراد متدین‌تر کمتر مضطرب هستند و با سختی‌ها بهتر مقابله می‌کنند (کونیک، ۱۳۸۰: ۹۱). بنابر این، وقتی اهالی علم یا صاحبان دانشگاه اسلامی این‌گونه متعالی و منور به نور الهی شدند، انعکاس و انجذاب تعالی‌بخشی در مجموعه تحت تأثیر خود خواهند داشت. با استناد به همین قابلیت تأثیرگذاری است که حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید سرچشمه سعادت و شقاوت یک ملت دانشگاه است. (بابازاده، ۱۳۸۹)

فراوانی مضامین نشان داد اولویت برخی از مؤلفه‌های «تدین و تعالی معنوی» برخلاف تصور بسیاری است. به عنوان مثال، حجاب، فراوانی مضامین و حجم کمی از سخنان رهبری را به خود اختصاص داده است؛ اما این نفی اهمیت حجاب نیست، بلکه ظاهراً بیانگر آن است که اقدامات اسلامی‌سازی نباید منجمدانه و مصرانه ناظر به حجاب باشد، بلکه حجاب را باید از طریق تصحیح و تحکیم ذهنیتها و نگرش‌هایی دنبال کرد که رفتارها را تعیین و هدایت می‌کند. نکته دیگر اینکه تنها یک مضمون تحت مؤلفه

تدین و تعالی معنوی در دانشگاه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب ❖ ۳۷۹

«انتظار» وجود دارد. دلیل آن است که به نظرمی‌رسد «انتظار»، حقیقتی غیر از سایر مؤلفه‌ها ندارد؛ یعنی «انتظار» در قالب مؤلفه‌هایی همچون: «خداجویی دین‌مدار»، «معرفت توحیدی»، «استهداء از پروردگار»، «توجه و تدبیر در قرآن، ادعیه و نماز» و «تعهد به مبانی ملی و دینی» تبیین و تأکید و محقق می‌شود.

در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آینده ضمن تعیین شاخص‌های «تدین و تعالی معنوی» با استفاده از روشهای کمی و اثباتی، وضعیت موجود این مؤلفه در بین اساتید و دانشجویان تعیین و راههای عملیاتی برای ارتقای آن ارائه شود. ضمن اینکه سنجش و بررسی تطبیقی این مؤلفه در دو دانشگاه برتر داخلی و خارجی، نتایج جالب و راهگشایی را به دست خواهد داد.



منابع

- استراس، آ. وج کوربین، ج. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ مبنایی؛ رویه‌ها و روشها. ترجمه‌ ب. محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اعرافی، ع.ر. (۱۳۷۵). «تأملات و اقتراحاتی در باب اسلامی کردن دانشگاهها». روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۸: ۴-۶.
- ایمان، م. و م. نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». پژوهش، ش پاییز و زمستان: ۱۵-۴۴.
- بابازاده، ب. (۱۳۸۹). «اصلاح کشور در گرو اصلاح دانشگاه: کلام امام خمینی در مورد اصلاح دانشگاه و اسلامی کردن دانشگاه». فرهنگ پویا، ش ۱۶ (بهار): ۳-۸.
- تیشه‌ یار، م. (۱۳۹۱). آینده‌ پژوهشی در مطالعات استراتژیک. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری، م.ت. (۱۳۸۸). علم و دین در حیات معقول. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- خامنه‌ ای، س.ع. (۱۳۹۴). «آرشیو دسته‌بندی شده‌ تمام سخنان». بازیابی از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ ای: <http://farsi.khamenei.ir/archive>
- داوری اردکانی، ر. (۱۳۸۶). درباره علم. تهران: هرمس.
- داوری، م. و ع. سلیمی (۱۳۷۸). «نظام آموزش عالی، دانشگاه اسلامی و امام خمینی (رحمه‌الله)». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱۱: ۹۸-۱۱۳.
- زائری، ق. و ح. محمدعلی‌زاده (۱۳۹۳). «دیرینه‌شناسی طرح دانشگاه اسلامی در ایران (قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)». راهبرد فرهنگ، ش ۲۵: ۴۰-۷.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۹). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی (جلد ۱). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبحانی تبریزی، ج. (۱۳۸۹). «اسلامی شدن دانشگاهها». کلام اسلامی، ش ۷۵: ۱۴۴-۱۳۹.
- شهید ثانی، ز.ا. (بی‌تا). منیه المرید فی ادب المفید و المستفید. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- فرامرز قراملکی، ا. (۱۳۸۸). اصول و فنون پژوهش در گستره‌ دین‌پژوهی. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- فرامرز قراملکی، ا. (۱۳۹۲). روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فنائیشکوری، م. (۱۳۷۷). دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی. قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- کونینگ، ه. (۱۳۸۰). آیا دین برای سلامتی شما سودمند است؟ آثار دین بر بهداشت جسم و روان. ترجمه ب. نجفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلشنی، م. (۱۳۹۰). از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مطیع، ح. و خسروپناه، ع. (۱۳۸۹، بهار). رابطه دین و فناوری در فرایند اسلامی شدن دانشگاه. معرفت در دانشگاه اسلامی، ۱۴، ص. ۷۷-۱۰۲.
- موسوی مقدم، ا. (۱۳۸۴). «بررسی ضرورت، هویت، مؤلفه‌ها و استراتژی دانشگاه اسلامی در نگاه رهبران انقلاب

- Arafı, Alireza (1996). "Some Questions & Thinking about Islamization of Universities". *Methodology of Social Sciences and Humanities*. Vol. 8: 4-6.
- Babazadeh, Babak (2010). "Reforming the Country Depends on Modification of University: Imam Khomeini's Conversation about Reforming the Country & Islamization of Universities". *Farhang Puya*. Vol. 16: 3-8.
- Davari, Mohammad & Ali Salami (1999). "Higher Education, Islamic University & Imam Khomeini". *The Knowledge Study in the Islamic University*. Vol. 11: 98-113.
- Davari Ardakani, Reza (2007). *About Science*. Tehran: Hermos.
- Fanaei Eshkevari, Mohammad (1998). *An Introduction to Islamization of Knowledge and University*. Qom: Imam Khomeini Institute.
- Faramarz Gharamaleki, A. (2013). *Methodology of Religious Studies* (New Edition). Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- Faramarz Gharamaleki, A. (2009). *Principals and Techniques of Research in Religious Studies*. Qom: Management Center of Hawzah Elmiyeh Qom.
- Golshani, Mehdi (2011). *From Secular Science to Religious Science*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Iman, Mohammad Taghi & MahmoudReza Noushadi. (2011). "Qualitative Content Analysis". *Pazhuhesh*, P: 15-44.
- Jafari, Mohammad Taghi (2009). *Science & Religion in Intelligible Life*. Tehran: Institute for Compiling & Publishing the Works of Allameh Jafari.
- Khamenei, Sayyid Ali (2014). "Speeches' Archive". *The Center for Preserving and Publishing the Works of Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei*: <http://farsi.khamenei.ir/archive>.
- Koenig, Harold G. (2002). *Is Religion Good for Your Health? The Effects of Religion on Physical and Mental Health*. Translated by Batul Najafi. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Motie, Hosain. Khosropanah, Abd Al-Hosain. (2009). *Relationship between religion and technology in process of slamization of university*. *Knowledge in the Islamic University*. 14, P: 77-102
- Mousavi Moghaddam, Rahmat al-Allah (2005). "Study of Necessity, Nature, Components and Strategy of Islamic University According to Supreme Leader". *The Knowledge Study in the Islamic University*, Vol. 27: 11-58.
- Saroukhani, Bagher. (2010). *Research Methods in Social Sciences* (Vol. 1). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Shahi Sani, Zeynoddin (-). *Monya al-Morid*. Qom: maktab al-Alam al-Islami.
- Sobhani Tabrizi, Jafar. (2010). "Islamization of Universities". *Kalam Islami*, Vol. 75: 139-144.

- Strauss, A. & J. Corbin (2006). **Basics of Qualitative Research: Grounded Theory; Procedures and Techniques**. Translated by Buik Mohammadi. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Tishehyar, Mandana. (2012). **Futures Studies in Strategic Studies**. Tehran: Research Institute of Strategic Studies.
- Zaeri, GHasem & Hajyeh MohammadAlizade (2014). “**Paleontology for Islamization of University Plans in Iran**”. *Rahbord Farhang*, Vol. 25: 7-40.

